



ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۳۷۷ - ۱۴ اکتبر ۱۹۹۸ - دوره سوم - شماره ۱۹۳
KAR. No. 193 Wednesday 14. Oct 1998

مقالات و اعلامیه های برگزیده از کار ۱۹۴ - چهارشنبه ۶ آبان ۱۳۷۷

سرمقاله

انتخابات خبرگان
شکست جمهوری اسلامی

یادداشت

این معامله بی سرانجام است!

حتما مطابق آمارهای رسمی جمهوری اسلامی

اکثریت مردم در انتخابات خبرگان شرکت نکردند

گزارش تازه‌ی کاپیتورن:

حقوق بشر در ایران همچنان سرکوب می‌شود

شرکت کارگزاران سازندگی در نمایش

رسوای خبرگان با چه هدفی صورت گرفت؟

اطلاعیه‌ی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

تشنج در برگزاری گردهمایی‌ها و سخنرانی‌ها را محکوم می‌کنیم

با کار تماس بگیرید

بیست و هشت سال پیکار فدائیان خلق

در راه آزادی، دمکراسی و سوسیالیسم

را هرچه با شکوه‌تر برگزار کنیم

مکان: آلمان - بن

زمان: شنبه ۲۴ بهمن (۱۳ فوریه)

ناد برگزاری مرکزی جشن سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

انتخابات خبرگان

شکست جمهوری اسلامی

سران جمهوری اسلامی برای کشاندن مردم به رای‌گیری اول آبان، همه‌ی نیرو و نفوذ خود را به میدان آوردند و شکست خوردند. حتی دو آتشه‌ترین روزنامه‌های طرفدار ولایت فقیه مانند جمهوری اسلامی، نتوانسته‌اند منکر درصد بالای تحریم‌کنندگان این انتخابات مجلس خبرگان شوند. روزنامه‌ی همشهری نوشت تنها ۴۶ درصد واجدین شرایط رای داده‌اند. با توجه به بازی‌های آماری حکومت برای بالا جلوه دادن میزان مشارکت مردم در هر رای‌گیری، که طبق آن در هر نوبت انتخابات آمار متفاوت و متناقضی از تعداد واجدین شرایط اعلام می‌شود، و با توجه به اینکه قطعا تعداد آرای که به صندوق ریخته شده کمتر از تعداد اعلام شده و بسیاری نیز آرای سفید بوده است، می‌توان با قطعیت گفت که اکثریت نیرومندی از مردم، در اعتراض به شیوه‌های ضددموکراتیک این انتخابات، در اعتراض به این مجلس ارتجاعی و ولایت فقیه و در پاسخ به فراخوان نیروهای مخالف جمهوری اسلامی، از جمله سازمان ما، انتخابات مجلس خبرگان جمهوری اسلامی را تحریم کرده‌اند.

بدین ترتیب، همه‌ی آنهایی که به مردم گفتند که باید به پای صندوق‌های رای بروند، هر یک به‌گونه‌ای، شکست خورده‌اند. از جمله همه‌ی سران جمهوری اسلامی:

خامنهای: رهبر جمهوری اسلامی هنگام رای دادن گفت حضور در انتخابات، حضور در میدان جنگ با دشمنان جمهوری اسلامی و بر همه‌ی طرفداران این حکومت واجب است.

خاتمی: رئیس جمهوری اسلامی علیرغم حذف تقریباً همه‌ی طرفدارانش از لیست نامزدها توسط شورای نگهبان، قبل از انتخابات در چند سخنرانی از مردم با تاکید خواست که رای دهند. حرف خاتمی این بود که تنوع نسبی وجود دارد. این سخن، اعترافی غیرمستقیم به این بود که انتخاب، گزینش میان بد و بدتر است. مردم نشان دادند که نه بد را می‌خواهند و نه بدتر، حتی اگر آقای خاتمی چیز دیگری بگوید.

رفسنجانی: او که دوست دارد همه از بقیه‌ی شرکایش در قدرت، پرنفوذتر و زیرک‌تر بدانندش، مهره‌چینی شورای نگهبان را سالم‌ترین شیوه‌ی برگزاری انتخابات نامید و به همه گفت که انتقادهای را بگذارند برای بعد از انتخابات. کوبنده‌ترین پاسخ به این یاوه را رفسنجانی از مردم گرفت. گردانندگان مجلس خبرگان و شورای نگهبان: آشی که امثال جنتی برای مردم پختند، در روز اول آبان نیم‌خورده سرد شد. اکثریت مردم در تمثیل به این‌ها گفتند گند و مرداب ترا ارزانی، من نیم لایق این مهمانی.

در شکست جمهوری اسلامی در اول آبان، تردیدی نیست. البته همه‌ی آنهایی که میزان نسبتاً بالای مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۱۳۷۶ را شایدانه به حساب طرفداری از نظام جمهوری اسلامی گذاشتند، این بار دروغ آن روزشان را فراموش خواهند کرد و خواهند گفت آنهایی که در انتخابات شرکت نکرده‌اند، به هر دلیلی بوده باشد، به دلیل مخالفت با جمهوری اسلامی نبوده است! اما همین نیز کافی است تا در کشوری که مسئولانش واقعا پاسخگوی اعمال خود هستند، مواخذه شوند که چرا ظرف یک سال و پنج ماه، حداقل ده میلیون نفر از صف

مشارکت‌جویان به خیل بی‌تفاوت‌ها و مخالفان پیوسته‌اند. در جایی که حساب و کتابی باشد، همین تحول در عرض چنین مدت کوتاهی، برای یک بحران تمام‌عیار حکومتی کفایت می‌کند. مگر نه این است که در جمهوری اسلامی، خبرگان رهبر را برمی‌گزینند و رهبر از رئیس جمهور به مراتب مهم‌تر و پرقدرت‌تر است؟ مگر نگفته بودند که این ((مهم‌ترین و عظیم‌ترین)) انتخابات جمهوری اسلامی است؟ این‌ها را گفته بودند، اما شکست خود را پیشاپیش پیش‌بینی کرده و در صدد توجیه آن نیز برآمده

بودند. برخی کارگزاران رای‌گیری اول آبان، از پیش گفته بودند که میزان مشارکت مردم در انتخابات خبرگان اهمیتی ندارد! آنها از پیش می‌دانستند که چه آشی برای مردم پخته‌اند و پاسخ مردم چه خواهد بود. در کشمکش‌های درونی جمهوری اسلامی، جناح وابسته به روحانیون مبارز و تشکل‌های متحد آن، نتیجه‌ی انتخابات را صرفاً ناشی از حذف کاندیداهای خود خواهند دانست. این، ساده کردن واقعیت و پوشاندن بخش تعیین‌کننده‌ی آن در برابر بخش فرعی آن، ولو آن که حقیقت دارد، می‌باشد. اگر واقعیت همان است که کروی و یارانش می‌گویند و تنها دلیل عدم شرکت مردم در انتخابات خبرگان، حذف کاندیداهای یک جناح معین است، چرا به ادعای وزیر کشور دولت خاتمی، میزان مشارکت مردم در این دوره‌ی رای‌گیری خبرگان، از میزان آن در دوره‌ی قبلی که قطعاً بیشتر با رقابت نامزدهای جناح‌های مختلف همراه بود، کمتر نبوده است؟ واقعیت آن است که مردم، به مجلس خبرگان به مثابه‌ی نهادی می‌نگرند که در آن آخوندها برای خود می‌برند و می‌دوزند و کاری هم به نظر مردم ندارند. مردم، ماهیت مدار بسته‌ی رهبر - شورای نگهبان - مجلس خبرگان را که یکی، دیگری را تعیین می‌کند، دریافته‌اند. مگر مردم ندیده‌اند که پس از مرگ خمینی، به ناگهان و با یک شبه کودتا، خامنه‌ای بر کرسی خلافت نشاندند؟ گزینش خامنه‌ای چه ربطی به تمایل و رای مردم داشت؟

هر چند قانون اساسی جمهوری اسلامی، با در نظر گرفتن مجلس خبرگان، نوعی خصلت شبه دموکراتیک ولایت فقیه را القا می‌کند، همه می‌دانند که حقیقت همان است که گستاخ‌ترین سخنگویان جناح ولایت مطلقه می‌گویند، یعنی اینکه ولایت فقیه ربطی به تمایل و رای مردم ندارد و رهبر را کسی انتخاب نمی‌کند، بلکه آخوندها او را کشف می‌کنند. این توصیف کل روند گزینش رهبری در جمهوری اسلامی، به مراتب از صحنه‌سازی‌های شبه‌دموکراتیکی که می‌خواهند به خورد مردم بدهند، به واقعیت نزدیک‌تر است.

مردم نیز این را به نیکی می‌دانند، و از همین رو است که با اکثریت آنان با تحریم این نمایش، به کل ولایت فقیه که ستون اصلی جمهوری است، پنهپ گفتند. نه درخواست‌های خاتمی که بیایید و از همین تتمه‌ی امکان انتخاب استفاده کنید و نه تکفیر خامنه‌ای که رای ندادن، ترک جبهه‌ی جنگ است، در عزم مردم برای عدم حضور پرمعنا در این خیمه‌شب‌بازی، تا ثیری نگذاشت.

تحریم مردم در اول آبان، رای دوم خرداد سال گذشته را پرمعناتر کرد، لااقل برای آنهایی که از دوم خرداد، تفسیر دلخواه خود را داشتند. اول آبان، ثابت کرد که دوم خرداد نه رای به این یا آن جناح در درون جمهوری اسلامی، که طرح خواستی بود که در تضاد ذاتی با ولایت فقیه است: آزادی و جمهوری!

این معامله بی‌سرانجام است!

مصاحبه‌ی رادیو و تلویزیونی رییس‌جمهور، در آستانه‌ی انتخابات خبرگان، هر چند وظیفه‌ی کشاندن مردم به نمایش شرم‌آوری را داشت که بر آن نام انتخابات گذاشتند، اما در عین حال سوی دیگری از چهره‌ی آقای خاتمی را به نمایش نهاد که در این یک‌ساله و نیمه‌ی ریاست جمهوری او، کمتر مورد توجه و مورد قضاوت قرار گرفته است. آقای رییس‌جمهور دفاع بی‌چون و چرای خود از حکومت دینی، ولایت فقیه و مجلس خبرگان را با ادعاهایی همراه ساخت که هیچ نشانه‌ای از واقعیت را با خود نداشت.

محمد خاتمی، ((اراده‌ی برتر)) را لازمه‌ی حکومت کردن نامید و نتیجه گرفت که ولایت فقیه در ایران بیانگر این اراده‌ی برتر است و آنانی را که با ولایت مخالفاند، آنارشویست و هرج و مرج طلب خواند! آقای خاتمی مدعی شد ((حتا در کشورهای به اصطلاح پیرو لیبرال و دموکراسی، آیا اختیارات یک رییس‌جمهور یا رییس‌حکومت از اختیارات ولی فقیه ما کمتر است؟ حتا در بعضی موارد شاید اختیارات گسترده‌تری هم وجود داشته باشد))!

شاید آقای رییس‌جمهور حق داشته باشد که ((در بعضی موارد)) اختیارات گسترده‌تری هم وجود داشته باشد، اما این ((بعضی موارد)) قطعاً کشورهای لیبرال و دموکرات نیست، اختیاراتی مشابه اختیارات ((رهبر)) ما را باید در عراق صدام حسین، در افغانستان ملا عمر، در لیبی معمر قذافی جستجو کرد، و باز البته با یک تفاوت: اگر در عمل بین این اختیارات تفاوت زیادی نباشد، اما در هیچ کشوری و در هیچ قانونی در دنیای معاصر، هیچ مقامی اختیاراتی را که قانون ما به ولی فقیه داده است، ندارد!

آیا آقای رییس‌جمهور که به خود اجازه داده و نظام سیاسی ولایت فقیه را با نظام‌های لیبرال و دموکراسی مقایسه کرده است، می‌تواند حتا یک نمونه به مردم ایران معرفی کند که در چنین کشورهایی کسی پیدا شود که حتا مشروعیت رای مردم برای انتخاب رییس‌جمهوری، وابسته به ((تنفیذ)) او باشد؟ آیا می‌تواند نمونه‌ای را به مردم نشان دهد که حرف و سخن مسئولی بالاتر از قانون باشد؟ در کدام کشور آزاد و دموکراتیک است که نمایندگان مجلس و وزرای دولت و احزاب و گروه‌های تابع و وفادار به یک نفر باشند؟ در کدام کشور دموکرات و آزادی است که حتا صرف مخالفت با یک مقام، جرمش زندان و شکنجه و اعدام باشد؟

پرسش این است که چرا رییس‌جمهور این طور آشکار واقعیات را تحریف می‌کند؟ شاید باشند کسانی که این‌گونه سخن گفتن را ناشی از ((مصلحت)) بدانند. اما حتا اگر چنین باشد، این ((مصلحت)) دارد به روش همیشگی

رییس‌جمهور تبدیل می‌شود. به کارنامه‌ی رفتار و مواضع او در دو ماه اخیر نظری بیفکنیم. از آن زمان که آقای خاتمی با بردن لایحه‌ی پیشنهادی وزارت کشور به مجلس در جهت لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان شخصاً به مخالفت برخاست، تا به امروز، رییس‌جمهور از وعده‌هایی که به مردم داده، فاصله گرفته است. آقای خاتمی چشم بر یورش گسترده بر مطبوعات بسته است، دستگیری نویسندگان دگراندیش و حتا

روزنامه‌نگاران طرف‌دار خود را به سکوت برگزار کرده، لگدمال قانون و جامعه‌ی مدنی مورد استناد خود را به چشم دیده و سر بلند نکرده است، از همه چیز و همه جا در سخنرانی‌ها و دیدارهای خود سخن گفته است، جز آن چه که باید سخن بگوید! و متأسفانه زمانی لب به سخن گشوده است که عامل همه‌ی سرکوب‌گری‌ها و بگیر و ببندها و بی‌قانونی‌ها را به نام آزادی تطهیر و توجیه کند. به هیچ‌وجه سخنرانی اخیر آقای خاتمی را نباید حادثه‌ای اتفاقی و رعد در آسمان بدون ابر ارزیابی کرد. این سخنان ادامه‌ی منطقی روشی است که وی پیشه کرده است. آیا جز این انتخابی برای آقای خاتمی وجود نداشته است؟

بسیار کسان بر این باورند که رییس جمهور توان و نیروی مقابله با ولایت فقیه و خامنه‌ای و جبهه او را ندارد، بسیار کسان می‌گویند که خاتمی را باید از چشم یک مصلح دینی نگریست و محدودیت‌های عملی، نظری و اعتقادی او را در نظر داشت. اگر همه‌ی این‌ها نیز صحیح باشد، باز نمی‌توانند توجیه‌کننده‌ی دفاع او از ولایت فقیه، شورای نگهبان و مجلس خبرگان در شرایطی باشند که این آبروباختگان بیش از همیشه مورد اعتراض جمعی قرار گرفته‌اند. حتی در چنین چارچوبه‌ای می‌شد انتظار داشت که آقای خاتمی در این خیمه‌شب‌بازی سکوت کند، اگر نمی‌خواهد رهبر دانشجویان و جوانان باشد، روش مجمع روحانیون مبارز را در پیش بگیرد و حیثیت و اعتماد خود را به پای کسی و چیزی نریزد که به هیچ قیمتی نمی‌توان برای او آبرویی خرید. نگاه ما به وضعیت که امروز در ایران شکل گرفته است، به هیچ روی متکی بر محدودیت‌ها و چارچوب‌ها و خط‌مزمه‌های آقای خاتمی و سایر اصلاح‌طلبان مذهبی نیست. ما همان‌گونه که تاکنون بوده، از هر اصلاح‌طلبی و رفرمی در چارچوبه‌ی فعلی حمایت می‌کنیم و خواهیم کرد و بر این اعتقاد هم نیستیم که آقای خاتمی همه‌ی ظرفیت‌های اصلاح‌طلبی خود را به پایان برده است، پیش‌کشیدن و پس‌نشستن‌های او برای اصلاحات ادامه دارد. اما آن چه برای ما اصل است، نه محذورات و محدودیت‌های این یا آن گروه، که منافع مردم و کشور است. ما آقای خاتمی را نه از زاویه‌ی محدودیت‌ها و معذورات و اعتقاداتش، که از زاویه‌ی پای‌بندی‌اش به این منافع مورد قضاوت و ارزیابی قرار می‌دهیم. مبارزه برای کوتاه کردن دست ولایت فقیه مساله مبرمی است که جامعه‌ی ما بدون دست یافتن به آن، نمی‌تواند راه خویش به سوی دموکراسی را باز کند. انتظار این نیست که همه به یک‌سان و به یک روش با ولایت فقیه به عنوان مظهر استبداد و دیکتاتوری و ارتجاع در ایران به مقابله بپردازند، انتظار این نیست که اصلاح‌طلبان اسلامی با همان روش‌ها و شیوه‌های نیروهای اپوزیسیون کمر به برچیدن ولایت فقیه ببندند، اما انتظار این هست که در پی تحکیم و توجیه ولایت فقیه نیز برنیایند و آقای خاتمی متاسفانه به این راه تمایل نشان می‌دهد. این بازی، بازی خطرناک و بی‌سرانجامی است. سازش بین ((حکومت خدا)) و حکومت مردم، آشتی بین جمهوری انسان‌ها و حکومت دینی، غیرممکن است. حکومت خدایی هیچ شریکی را بر نمی‌تابد. این تجربه ده‌ها بار ثابت شده است و اکنون گویا آقای خاتمی قصد دارد این بار خود به سبیل چنین شکستی تبدیل شود.

اکنون که انتخابات پشت سر گذاشته شده است، همه کس می‌تواند به قضاوت در مورد راهی که برگزید، بنشیند. اعتمادی که مردم به آقای خاتمی دارند، نتوانست وسیله‌ای برای جلب اعتماد آنان به ولایت فقیه شود. آقای خاتمی اعتماد مردم را اساسا به آن دلیل به دست آورد که مردم او را سواى ولایت فقیه دیدند. رییس جمهور این بار حتی نتوانست هواداران خود را قانع کند که راه پیشنهادی او را برگزینند. بخش مهمی از متحدان و مدافعان او نیز، بر سخنانش در دفاع از ولایت فقیه و شرکت در نمایش خبرگان چشم فرو بستند و در این شرایط آقای رییس جمهور خود را در ((نه)) مردم، شریک خامنه‌ای کرد و ضربه‌ای جبران‌ناپذیر بر خود وارد آورد.

جای آن است هشدار مردم جدی گرفته شود. هر آن کس به همان میزان که خود را شریک کاسه‌ی ولایت می‌کند در برابر مردم قرار خواهد گرفت. نمی‌توان هم مردم را داشت و هم ولایت را. نمی‌توان از اعتماد این بهره گرفت و با آن دوستی کرد! مهم است که آقای خاتمی این هشدار را جدی بگیرد، اما البته تعیین‌کننده نیست، که او در کدام سمت بایستد، مردم دشمنان خود را شناخته‌اند و راه خود به سوی آزادی را ادامه خواهند داد. اول آبان این را نشان داد که مردم با ولایت فقیه آشتی نخواهند کرد، حتی اگر ((رییس جمهور محبوب)) خواهان آن باشد.

حدا مطابق آمارهای رسمی جمهوری اسلامی اکثریت مردم در انتخابات خبرگان شرکت نکردند

به گزارش خبرگزاری‌های خارجی، حوزه‌های انتخاباتی در تمام ساعات روز جمعه خلوت بود

مطابق آمار رسمی وزارت کشور کمتر از ۱۸ میلیون یعنی نیمی از مردم، در پای صندوق‌ها حضور یافتند
روزنامه‌ی سلام نوشت ۴۰ درصد رای‌دهندگان در انتخابات شرکت کردند

روز جمعه اول آبان اکثریت مردم ایران با عدم شرکت در انتخابات مجلس خبرگان، نفرت و روی‌گردانی خود را از نظام ولایت فقیه به نمایش گذاشتند و به رهبر و همه‌ی کارگزاران ریز و درشت جناح‌های حکومت که مردم را به شرکت در انتخابات مجلس خبرگان تشویق کردند، ((نه)) گفتند. بر اساس گزارش شاهدان عینی و خبرگزاری‌های غربی، حوزه‌های رای‌گیری در تهران و شهرستان‌ها در مقایسه با همه‌ی انتخاباتی که در ۱۹ سال گذشته در ایران برگزار شده است، خلوت‌تر و سردتر بود. طبق این گزارش‌ها در حوزه‌های رای‌گیری از صف‌های طویل و شور و شعف رای‌دهندگان که روزنامه‌های حکومتی نوشته‌اند، خبری نبود و در اکثر حوزه‌ها، هم صبح و هم بعدازظهر، شمار رای‌دهندگان از تعداد ناظران، ماموران امنیتی و خبرنگاران کمتر بودند. تغییر زمان پایان رای‌گیری از ساعت ۶ بعداز ظهر به ۹ شب جمعه نیز تاثیر چندانی در افزایش آرای مردم نداشت.

مقامات حکومت و روزنامه‌های تهران آمارهای متفاوتی از حضور مردم در این انتخابات اعلام کردند. در حالی که روزنامه‌ی جمهوری اسلامی تعداد شرکت‌کنندگان را بیش از ۶۰ درصد اعلام کرد، روزنامه‌ی همشهری نوشت بیش از ۴۶ درصد مردم شرکت کردند و روزنامه‌ی سلام روز شنبه با استناد به منابع موثق نوشت فقط ۴۰ درصد افراد بالای ۱۶ سال در انتخابات خبرگان شرکت کردند. آخرین آماري که از سوی وزارت کشور اعلام شد، حاکی از آن است که ۱۷ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر در رای‌گیری شرکت کرده‌اند که نزدیک به ۴۶ درصد واجدین حق رای است. در تهران کمتر از ۴۰ درصد مردم در رای‌گیری شرکت کردند. بسیاری از کسانی که حوزه‌های خلوت رای‌گیری را دیده‌اند می‌گویند که با توجه به حساسیت رژیم برای نشان دادن وفاداری مردم به خود، در آمارهای اعلام شده، دست‌کاری‌های بزرگی صورت گرفته است.

نگاهی به آرای داوطلبان در تهران و استان‌های مهم کشور دلالت بر آن دارد که بیشترین آرا به نام کاندیداهای جناح راست ثبت شده است. این آرا را شورای نگهبان با حذف گسترده رقبای این جناح از پیش تضمین کرده بود. شورای نگهبان در جریان بررسی صلاحیت کاندیداها از میان ۴۰۰ نفر داوطلب کاندیداتوری مجلس خبرگان، صلاحیت فقط ۱۸۶ نفر را تایید کرد که بیش از ۱۵۰ نفر از آنان چهره‌های شناخته شده جناح راست هستند. در برخی از استان‌ها مثل قم با بزرگترین حوزه‌ی آموزش دینی فقط یک نفر توانست از صافی شورای نگهبان بگذرد. در مشهد که ۸ نفر می‌توانستند به مجلس خبرگان راه بیابند، فقط ده نفر تایید شدند. در بسیاری از استان‌ها کاندیداهای تایید شده بی‌رقیب بودند و در عمل مبارزه‌ی انتخاباتی در میان نبود.

رفسنجانی نفر اول انتخابات تهران اعلام شد
نتایج نهایی شمارش آرا در تهران صبح روز یکشنبه اعلام شد. به گزارش وزیر کشور دو میلیون و ۸۰۰ هزار و ۲۶۷ برگ رای در تهران خوانده شد و رفسنجانی نفر اول تهران شد. به نظر می‌رسد، اکنون راه برای ریاست وی بر مجلس خبرگان گشوده شده است.

گزارش تازه‌ی کاپیتورن:

حقوق بشر در ایران همچنان سرکوب می‌شود

موريس کاپیتورن، گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر در جمهوری اسلامی، گزارش سالانه‌ی خود در مورد نقض حقوق بشر در ایران را به کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل، تسلیم کرد. این گزارش ۱۶ صفحه‌ای، توسط دبیرکل در اختیار مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفته است.

در گزارش اخیر کاپیتورن، ادامه‌ی نقض حقوق بشر در ایران مورد انتقاد قرار گرفته و به موارد متعددی از سرکوب آزادی‌های سیاسی و پایمال ساختن حقوق مردم ایران اشاره شده است. در این گزارش شکنجه و آزار زندانیان سیاسی، بازداشت فعالین سیاسی مخالف جمهوری اسلامی و نویسندگان و روزنامه‌نگاران، فشار بر مطبوعات منتقد، سلب حقوق زنان، انواع فشارها بر اقلیت‌های مذهبی مورد اشاره قرار گرفته است. جمهوری اسلامی، گزارش اخیر کاپیتورن را رد کرده و آن را نادرست خواند. محمود محمدی، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی، روز جمعه‌ی گذشته گزارش نماینده‌ی ویژه را با واقعیات و تحولات کشور ((ناسازگار)) خواند. وی با انتقاد از این گزارش گفت: این گزارش بدون در نظرگرفتن تحولات جاری ایران، به‌ویژه پس از انتخابات دوم خرداد سال گذشته تهیه و ارایه شده است.

جمهوری اسلامی ایران گزارشاتی را که سال‌هاست گزارشگران ویژه‌ی سازمان ملل در مورد نقض حقوق بشر در ایران به سازمان ملل متحد داده‌اند، رد کرده است. سران رژیم به دروغ مدعی می‌شوند که آنان از اصول ((حقوق بشر اسلامی)) پیروی می‌کنند و خامنه‌ای بارها مدعی شده است که ایران ((آزادترین)) کشور دنیا است. این ادعاها تاکنون نتوانسته است حتی کسانی را که از دور حوادث ایران را تعقیب می‌کنند، فریب دهد. ((کار)) در شماره‌های آینده خود رئوس اصلی گزارش جدید کاپیتورن را منتشر می‌سازد.

شرکت کارگزاران سازندگی در نمایش رسوای خبرگان با چه هدفی صورت گرفت؟

حزب کارگزاران که سیاست‌های خود را عمدتاً با نظر رفسنجانی تنظیم می‌کند، در پی حمایت همه‌جانبه‌ی وی از شورای نگهبان و انتخابات مجلس خبرگان، سیاست شرکت فعال در این انتخابات ارتجاعی را پیشه ساخت. با وجود این که شورای نگهبان با استفاده از نظارت استصوابی، رقبای خود را از انتخابات حذف کرد، گروه کارگزاران با ادعای ((مبارزه‌ی مثبت)) کاندیداهایی را که در برخی موارد با کاندیداهای طرفداران خامنه‌ای یکسان بود به مردم معرفی کرد و به تبلیغات پر سر و صدایی توسل جست.

حزب کارگزاران که اقداماتشان با پرسش‌ها و بدبینی‌ها و اعتراضات مردم و دانشجویان مواجه شد، با برگزاری سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های متعدد، به توجیه سیاست عوام‌فریبانه‌ی خود پرداختند. این فعالیت‌ها هدف مهم دیگری هم داشت و آن باز کردن راه نزدیکی با جناح خامنه‌ای بود. این پیام از سوی این جناح با استقبال و چراغ سبز مواجه شد. بیهوده نبود که سخنان کرباسچی، که تا چند هفته‌ی پیش به عنوان ((اختلاس‌چی)) مورد حملات شدید این جناح قرار داشت، با تفصیل به صفحات روزنامه‌های وابسته به آن راه یافت.

هر چه کارگزاران کوشیدند تا به شرکت خود در نمایش رسوای انتخابات خبرگان جنبه‌ی ((مبارزه‌ی مثبت)) بدهند، بیشتر بی‌اعتقادی خود به

مفاهیمی نظیر جامعه‌ی مدنی و توسعه‌ی سیاسی را که در شعارهای خود گنجانده‌اند، به نمایش گذاشتند. آنان تلاش کردند در گرم کردن نمایشی شرکت جویند که اساساً ضد جامعه‌ی مدنی و توسعه‌ی سیاسی است. خلاف آن چه کارگزاران مدعی می‌شوند، سیاست‌هایشان در انتخابات خبرگان نه در جهت استقرار جامعه‌ی مدنی و مشارکت سیاسی مردم، بلکه در جهت تقابل با خواست اکثریت بزرگ مردم و تقویت ارتجاع بود. در این سیاست آن‌ها از زاویه‌ی یک نیروی فرو دست به ((مبارزه‌ی مثبت)) روی آوردند و شرایط رقیب را برای وارد شدن در این بازی رسوا پذیرفتند.

کارنامه‌ی کارگزاران که بخشی از عناصر تکنوکرات و بورکرات غیرلائیک در حکومت را نمایندگی می‌کنند، در برخورد با جناح ضد آزادی حاکم، مملو از ساخت و پاخت‌ها، هم‌دستی‌ها و نزدیکی‌های بسیار است. آن‌ها در دوره‌ی چهارم مجلس شورای اسلامی با جناح رسالت ائتلاف کردند و نیروهای خط امام را از دولت و مجلس بیرون راندند. آن‌ها زمانی که طرفداران خامنه‌ای در صدد انحصار کامل قدرت برآمدند و حتا حاضر نشدند در لیست ۳۰ نفره‌ی کاندیداهای خود برای مجلس پنجم، سهم کوچکی را به این نیرو بدهند، به ناچار به جدایی از جناح راست سنتی تن دادند. این جدایی زمانی صورت گرفت که آنان اطمینان یافتند سهم کوچکی نیز در مجلس پنجم از سوی روحانیت طرفدار خامنه‌ای برای آنان در نظر گرفته نشده است. در جریان انتخابات ریاست جمهوری کارگزاران سازندگی تمام نیروی خود را به کار بردند تا فردی معتدل‌تر که وابستگی علنی جناحی کمتری به جناح راست سنتی داشته باشد، به جای ناطق نوری، از سوی این جناح کاندیدای ریاست جمهوری شود تا او را مورد پشتیبانی قرار دهند. اما وقتی همه‌ی تلاش‌های آنان با شکست مواجه شد، انتخاب دیگری برای آنان نماند تا رو به سوی جناح دیگر بیاورند.

اما از همان زمان دوم خرداد این پرسش مطرح بود که ائتلاف تازه‌ی کارگزاران تا کی و به چه صورتی دوام خواهد یافت. آنان اکنون نخستین نشانه‌های جدایی از این ائتلاف را بروز داده‌اند. آن‌ها که می‌خواهند ((جامعه‌ی مدنی)) و ((پیشرفت اقتصادی)) را با تمکین، التماس و زانو زدن در مقابل ارتجاع هموار سازند، بدانند راه رسیدن به پیشرفت‌های اجتماعی ایستادگی و استقامت در برابر تهاجمات، توطئه‌ها و سیاست‌های نیروهای ارتجاعی و دفاع قاطعانه از آزادی‌های سیاسی است. گروه کارگزاران در مقاطع حساسی که در چند ماهه‌ی اخیر پیش آمده است نشان داده که بسیار مستعد است تا بار دیگر حساب خود را از پیروان این راه جدا سازد و این نظر را به اثبات برساند که گویا اتفاقی در این قافله جای گرفته بود!

اطلاعیه‌ی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تشنج در برگزاری گردهمایی‌ها و سخنرانی‌ها را محکوم می‌کنیم

سخنرانی دکتر یزدی، دبیرکل نهضت آزادی ایران در سوئد از جانب عده‌ای به هم ریخت. قبل از آن، نیروهای سازمان مجاهدین مانع برگزاری سخنرانی علی کشتگر، سردبیر نشریه‌ی میهن، شده بودند. در چند ماهه‌ی اخیر در تعداد قابل توجهی از سخنرانی‌ها و گردهمایی‌ها که در اروپا برگزار می‌شود، توسط نیروهای وابسته به گروهی از سازمان‌های اپوزیسیون تشنج به وجود آمده است.

ما این اقدامات را محکوم می‌کنیم و از آزادی بیان تمام نیروها حمایت می‌کنیم. ما از همه‌ی نیروهای اپوزیسیون می‌خواهیم که به مقابله با این‌گونه اقدامات برخیزند و اجازه ندهند که آزادی برگزاری اجتماعات و آزادی بیان در خارج از کشور را از نیروهای اپوزیسیون سلب کنند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)



با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90

شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

آدرس کار در اینترنت : <http://www.geocities.com/CapitolHill/2902/>
آدرس پست الکترونیکی : fadai.aksariyat@magnet.at

آدرس پستی : I.G.e.v
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان
بهای اشتراک :
اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک
سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

دارنده حساب : I.G.e.v
شماره حساب : 22 44 20 32
کد بانک : 37 05 01 98
نام بانک : Stadtparkasse Köln
Germany